



پسران آفتاب

گروه شمشادها

ویژه‌ی دوم راهنمایی

فهرست

۵.....	سخنی با اولیا و مربیان
۸.....	آهنگ بالندگی
۹.....	پیشگام همه
۱۲.....	زیباترین دوران ها
۱۶.....	در مسیر بالندگی
۲۱.....	پاک خواهیم ماند
۲۵.....	در آستانه‌ی شکوفایی
۳۰.....	کامیابی بزرگ
۳۷.....	از خاک تا پاکی
۴۳.....	قدردانی از نشانه‌ها
۴۸.....	آیین سیر و سفر
۵۳.....	میعادگاه عاشقان
۵۸.....	از خود تا جامعه
۶۳.....	زندگی پر نشاط
۶۷.....	انرژی صعود
۷۳.....	چشم انداز فردا

۴ ◇ احکام پسران دوم راهنمایی

سفید

سخنی با اولیا و مربیان

این نوجوانان که به زندگی ما شور و نشاط
بخشیده‌اند،

می‌خواهند راه چگونه زیستن را بشناسند.
آماده‌اند در دریای کامیابی‌ها شناور شوند.
برآنند گوه‌های گرانی‌ها را از اعماق زمین
استخراج کنند

و به قلّه‌های خوشبختی با شادکامی صعود کنند.
آنان دوست دارند به این چیزها با همدلی و
همراهی شما دست یابند

و در این راه، هدایت‌ها و راهنمایی‌های شما را به
گرمی پذیرا خواهند بود.

کتاب «پسران آفتاب» نیز امیدوار است در همین
مسیر مقدّس با نوجوانان خوب میهن اسلامی‌مان
همدل و همراه باشد.

پیش از طلوع «پسران آفتاب»، توجه شما
گرامیان را به چند نکته جلب می‌کنیم:

۱. پسران نوجوان ما اغلب در چند قدمی سن
بلوغ و تکلیف هستند و برخی از آنان بالغ و مکلف
شده‌اند. شایسته است آنان را با مسأله‌ی تقلید و نیز

انتخاب مرجع تقلید آشنا کنیم.

۲. مطالبی که در کتاب می‌آید مطالبی است که غالباً مراجع معظم تقلید درباره‌ی آن‌ها نظر مشترکی دارند.

۳. پرسش‌های پایانی هر قسمت برای کسانی است که به تحقیق و مطالعه علاقه دارند و می‌خواهند مطالب بیش‌تری را فرا بگیرند.

۴. در هیچ یک از مراحل مسابقات احکام، از موردهایی که پاسخ آن‌ها در کتاب نیامده، پرسشی نخواهد آمد.

۵. این گام کوتاه که پیش رو دارید برآمده از نظرهای برگزیدگان مسابقات کشوری احکام و نیز وامدار پیشنهادها و راهنمایی‌های متخصصان و دست‌اندرکاران عرصه‌ی تعلیم و تربیت است. بدیهی است رشد و بالندگی آن نیز در گرو راهنمایی‌ها و پیشنهادهای همه‌ی اولیا، مربیان، دانش‌آموزان، کارشناسان و دلسوزان جامعه خواهد بود.

شما می‌توانید نظرها و پیشنهادهای خود را برای ما به نشانی زیر ارسال کنید:

تهران، خیابان شهید قرنی، نرسیده به چهارراه سمیه، ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش، طبقه سوم، ستاد اقامه نماز.

تلفن ۸۲۲۸۲۲۵۵

۶. دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با حل

سخنی با اولیا و مربیان ◇ ۷

پرسش‌های کتاب، بیان نقاط قوت و ضعف کتاب، طرح مسائل مورد نیاز خود و سایر پیشنهادها و نظرها ما را همراهی کنند.

امیدواریم که در سال‌های آینده، از مطالب شما نوجوانان خوش سلیقه و پر استعداد در بهبود هرچه بیش‌تر کتاب‌ها بهره ببریم.

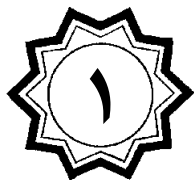
دانش‌آموزان و مربیان عزیز می‌توانند با این نشانی پستی با نویسنده‌ی کتاب در ارتباط مستقیم باشند: قم، صندوق پستی ۳۱۹۶ - ۳۷۱۸۵.

سپاس‌گو و چشم‌به‌راه همدلی‌ها و همراهی‌های شما هستیم.

کامیاب و سربلند باشید!

آهنگ بالندگی

باغبان از چشمه‌ی نور، به او زلالِ آب می‌نوشاند
و لحظه به لحظه او را می‌پروراند
و او می‌بالید و می‌بالید
و شاخ شمشادی شده بود که همه با شگفتی
چشم به او دوخته بودند.
شگفتا هیچ نوجوانی به پای علی‌بن‌ابی طالب
نمی‌رسد
درود خدا بر او و بر باغبانش باد!



پیشگام همه

از کودکی در دامن باغبانی دانا و مهربان پرورش
می یافت.

باغبانی یکتا و بی همتا که نگین پیامبران بود.
آن باغبان او را نوازش می کرد، به او غذا می داد و
او را همراه خود همه جا می برد
و گام به گام او را با خود بالا و بالاتر می برد
و هر لحظه، چگه ای از شهد شیرین احکام،
عقاید و اخلاق به او می نوشاند
و او می بالید و می بالید.....
و اوج می گرفت و اوج می گرفت.

□ □

ده بهار، شادمانه در دامن آن پیامبر بزرگ بالیده
بود که ناگهان نور وحی را به چشم قلب دید و بوی
معطر نبوت را به مشام جان شنید
و به پیامبر اسلام ایمان آورد.
او چون سایه ای همیشه به دنبال پیامبر گام
برمی داشت

و به وقت نماز همراه با او به راز و نیاز
می پرداخت.

از مردان هیچ کس در ایمان آوردن به پیامبر
پیشگام تر از او نبود.

□ □

و اینک نوجوانی سیزده ساله است؛

شاخ شمشادی زیبا و استوار.

سه سال از بعثت پیامبر می گذرد.

پیامبر در خانه ی ابوطالب ایستاده و به فرمان
خدا، خویشاوندان خود را به سوی دین حق دعوت
می کند.

هر کس دعوت او را بپذیرد، پس از او از سوی
خدا جانشین او خواهد بود.

سکوت همه را فرا گرفته است.

پیامبر سخن خود را بارها و بارها تکرار می کند

و هر بار تنها کسی که برمی خیزد و سکوت را
می شکند و اعلام آمادگی می کند،

همان شاخ شمشادی است که علی، نام دارد؛
علی بن ابی طالب. همان پرورش یافته ی دامان
پیامبر

و نسیمی روح بخش از آن شمشاد رعنا و استوار
می وزد و در بسترِ زمان،

شمشادهای سیزده ساله ای را می رویاند که همه
استوار و محکم تا پای جان به پای دین و احکام

نورانی آن می ایستند و....

امام شناسی

از کودکی و نوجوانی حضرت علی(ع) چه مطالبی
می دانی؟

یکی از آن مطالب زیبا و شگفت انگیز را بنویس!

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شمشاد شناسی

آیا از میان نوجوانان سیزده ساله، کسانی را
می شناسی که در راه پاسداری از دین و احکام نورانی
آن تا پای جان ایستادگی کرده باشند و سرانجام در
این مسیر مقدّس شهید شده باشند؟

۱.

۲.



زیباترین دوران ها

بهار آمده است.
دورانی شیرین شیرین
دوران پر رمز و راز
دوران دلپذیر و شادِ نوجوانی
دوران رشد و بالندگی
دوران تکاپو
دوران شنا در دریای دانش
دوران پرواز تا اوج آسمان ها
دوران باز نگری در گذشته ها
دوران از نو ساختنِ خود
وَه چه شیرین است، دورانِ نوجوانی!
تا دیروز دیگران ما را به سوی خوبی ها می بردند.
اکنون ما برآنیم که خود، خوبی ها را بشناسیم،
خود انتخاب کنیم و خود به پیش رویم
و گوش به آهنگ هدایت ها و راهنمایی های
مرَبَّیان بسپاریم.
دیگر حرکت و عمل بدون شناخت و آگاهی

زیبنده‌ی ما نیست.
و به پیش خواهیم رفت.
امام علی(ع) می‌فرماید:
«شخصی که کاری را بدون علم و آگاهی انجام
دهد، همانند کسی است که از بیراهه می‌رود.
چنین کسی هرچه جلوتر رود، به همان اندازه از
مقصد و هدفش دورتر می‌شود.
اما کسی که کاری را با علم و دانایی انجام
می‌دهد، چنان است که در راهی راست و مستقیم
می‌رود.»^۱
بنابراین آدمی باید خوب بنگرد که آیا در راه
راست و مستقیم گام برمی‌دارد یا به عقب باز
می‌گردد.

□ □

ما در مسیر زندگی خدا، آگاهانه پیش خواهیم
رفت
و به دستورها و احکام دینی مو به مو عمل
خواهیم کرد؛
چون احکام از دانش و حکمت بیکران الهی
سرچشمه گرفته‌اند
و خداوند به خوبی سود و زیان ما را می‌داند.
خداوندی که از مادر بسی مهربان‌تر است و جز
خیر و خوبی برای ما نمی‌خواهد

۱- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۴.

و دوست دارد ما چون آفتاب بدرخشیم و
بدرخشیم.

ما نوجوانان برآنیم، گام به گام با احکام شیرین
اسلام آشنا شویم.

درخت تنومند و تناور احکام بر همه‌ی زندگی ما
سایه گسترده است و ما به هیچ مسأله‌ای در زندگی
بر نخواهیم خورد، جز آن که حکم آن در دین
مشخص شده است.

به یاری خدا، در راهی که پیش روی داریم،
تاریکی و بُن بستی وجود ندارد.

جایگاه احکام

احکام را فرا می گیریم و به خود می بالیم.
امام صادق (ع) می فرماید:
روز قیامت خداوند از ما بندگان می پرسد
بنده ی من آیا می دانستی از تو چه می خواستم؟
اگر پاسخ دهد آری، خطاب می رسد: پس چرا به
آنچه که می دانستی، عمل نکردی؟!
و اگر پاسخ دهد خیر، خطاب می رسد: چرا یاد
نگرفتی تا بدان عمل کنی؟!^۱

آیین همدلی

منظره ی آموختن احکام و برنامه هایی که
خداوند برای خوشبختی ما فرو فرستاده، زیبا و
دلپذیر است و این زیبایی وقتی به اوج می رسد که تو
این مسیر را همراه و همگام با دوستان خود بیمایی.
می توانی به دوستان خود این را پیشنهاد بدهی!

۱- برگرفته از «پاکی ها و ناپاکی ها در اسلام»، محمد وحیدی، صفحه ی



در مسیر بالندگی

در ابتدای مسیر ایستاده‌ای.
می‌خواهی به جایی بروی که می‌گویند سبز در
سبز است.

چشمه‌ها و آبشارها و جویبارهایش، دیدنی
و هوایش بس دلپذیر است
و آن جا همه با هم دوست و صمیمی‌اند
و از زشتی‌ها خبری نیست که نیست.
در آن جا همه چیز چشم نواز و لذت‌بخش است
و تو می‌خواهی به آن جا بروی.
راهی که باید برای رسیدن به مقصد طی کنی،
راهی باریک و حسّاس است:
در یک سوی آن صخره‌های صعب‌العبور سینه به
سینه‌ی آسمان می‌سایند
و در سوی دیگر، دره‌هایی عمیق و هول‌انگیز،
پیش روی تو آغوش گشوده‌اند.
در این راه تو به راهنما نیاز داری؛
راهنمایی که راه را خوب بشناسد و تو را تا مقصد

همراهی کند،

از لغزش‌ها باز دارد و به رفتن امیدوار کند؛
راهنمایی آگاه و دلسوز
و تو همراه و همگام با او این راه را به خوبی
خواهی پیمود.

اگر در زمانی می‌زیستی که پیامبر(ص) و یا
امامان معصوم(ع) حضور داشتند،
این راه را با آنان می‌پیمودی و به سوی بهشت
سراسر سبز و زیبا پیش می‌رفتی
و اینک که آخرین امام در پس پرده‌ی غیبت
است، به فرمان او این راه را با «مرجع تقلید» خواهی
پیمود.

مرجع تقلید کسی است که می‌تواند تو را در این
راه راهنمایی و همراهی کند.
مرجع تقلید می‌کوشد، علم و دانش خود را از
قرآن و سخنان پیشوایان معصوم بگیرد.
او اهل هوی و هوس نیست و چیزی به دلخواه
خود نمی‌گوید.

وقتی سخنان مرجع تقلید را گوش می‌دهی و
براساس آن‌ها عمل می‌کنی، از او «تقلید» می‌کنی.
تقلید، یعنی پیروی آگاهانه از مرجع تقلید در
مسیر بهشت.

ما از او می‌آموزیم که چگونه نماز بخوانیم و روزه
بگیریم، و یا ظاهر و رفتارمان چگونه باشد، چگونه

زندگی کنیم و چگونه.....

وقتی به بلوغ و تکلیف رسیدیم، در احکام دینی باید تقلید کنیم.

برای این که مرجع تقلید خود را بشناسیم و از احکامی که او در کتاب خود نوشته^۱، با خبر شویم، خوب است با روحانیان دانا و درستکار مانند امام جماعت و امام جمعه، در ارتباط باشیم.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

«سخنی که از یک شخص راستگو درباره‌ی حلال و حرام (و احکام دینی) می‌شنوی، برای تو سودمندتر است، از دنیا و آن چه در آن است^۲».

۱- کتاب مرجع تقلید، «رساله» نام دارد.

۲- میزان الحکمه، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۱۰۷، حدیث ۱۴۱۴۸.

دین شناسی

دین سه بخش عمده و اساسی دارد: اعتقادات، اخلاق و احکام.

تقلید ویژه‌ی بخش احکام است.

اعتقادات را باید با دلیل و استدلال بپذیریم و اخلاق را نیز باید از مجموعه‌ی قرآن و سخنان پیشوایان دینی بیاموزیم.

رفت و آمد با علما و بزرگان و شرکت در مجالس آنان، ما را درباره‌ی اعتقادات و اخلاق نیز به زیباترین شکل یاری می‌کند.

همچنین مطالعه‌ی کتاب‌های معتبر در این زمینه با مشورت مربی بسیار سودمند خواهد بود.

همنشینان شایسته

حضرت علی(ع) می‌فرماید:

با علما نشست و برخاست کن!

بر دانش تو افزوده می‌شود

ادبی زیبا پیدا می‌کنی

و جانت پاک و پیراسته می‌گردد!.

فرداهای روشن

بهشت، چشم به راه ماست.
حضرت علی (ع) می فرمایند:
بهای جانهای شما چیزی جز بهشت نیست.
خود را به کم تر از آن نفروشید^۱.

بهای بهشت

«بهشت را به بها می دهند، نه به بهانه!»
حدیث زیر بهای بهشت را به ما معرفی می کند.
حدیث را ترجمه می کنیم و می گوئیم چه
ارتباطی با عمل به احکام الهی دارد.

قال الامام علی (ع):

ثَمَنُ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ^۲

.....
.....

۱- میزان الحکمه، جلد ۱، صفحه ی ۴۲۵، حدیث ۲۵۳۰.

۲- میزان الحکمه، جلد ۱، صفحه ی ۴۲۵، حدیث ۲۵۳۸.



پاک خواهیم ماند

پاکِ پاک خواهیم ماند.
قلب ما صاف و صیقلی است.
حیفمان می آید که آن را کدِر کنیم.
آن کس که زبان خود را به زشتی و ناسزا
می گشاید
و یا دستش را به ناحق به سوی دیگری بلند
می کند
و یا به مکانی آلوده، قدم می گذارد،
قدر قلبِ پاک و شفاف خود را نمی داند.
دین آمده است که ما را در راه پاک ماندن یاری
کند
تا نه تنها، قلب و روح و روان ما پاک بماند که
جسم و لباس و وسایل زندگی ما نیز پاک و به دور از
آلودگی باشد.
از همین روست که در احکام دینی با چیزهای
ناپاک و نجس آشنا می شویم تا با پرهیز از آنها پاک
زندگی کنیم. □ □

می‌دانیم ادرار، مدفوع، خون و مرده‌ی آدمیان، نجس است

ولی ما آدمیان گاهی با حیوانات نیز سروکار داریم،

پس خوب است بدانیم چه چیز آن‌ها نجس است تا از آن‌ها پرهیز کنیم.

باید بدانیم که حیوانات دو گروه هستند:

□ گروهی از حیوانات، خون جهنده ندارند، یعنی اگر رگی از بدنشان بریده شود، خون بیرون نمی‌جهد، مانند: ماهی، قورباغه، سوسک و پشه.

این گروه، همه چیزشان پاک است.

□ گروهی از حیوانات، خون جهنده دارند، یعنی اگر رگی از بدنشان بریده شود، خون بیرون می‌جهد. این گروه از حیوانات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: حیوانات حلال گوشت: حیواناتی مانند: گاو، گوسفند، شتر که خوردن گوشت آن‌ها حلال است. ادرار و مدفوع این گروه از حیوانات پاک ولی خون و مُردار آن‌ها، نجس است.

ب: حیوانات حرام گوشت: حیواناتی مانند: موش، خرگوش، گربه، گرگ و پلنگ که خوردن گوشت آن‌ها جایز نیست.

ادرار، مدفوع، خون و مُردارِ این دسته از حیوانات، نجس است.

البته سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند،
همه چیزشان، حتی بدن و مو و ناخن آن‌ها نجس
است.

□ □

از آدم‌ها و حیوانات که بگذریم، همه‌ی چیزهایی
که در طبیعت است، همه چیزشان پاک است، فقط
در مایعات چند چیز نجس است:

۱. شراب

۲. هر چیزی که به خودی خود روان باشد و
آدمی را مست کند (مایعات مست‌کننده)

۳. آبجو (که در زبان عربی به آن «فِقَّاع»
می‌گویند).

مایعاتی که گفته شد، نجس هستند و خوردن
آن‌ها نیز حرام است.

این حکم را همیشه به خاطر داشته باشیم که:
خوردن هر چیز نجس، حرام است.

یک دنیا پلیدی!

شراب، نجس است و خوردن آن نیز حرام است از نظر قرآن کریم، شراب، یک نوع پلیدی به شمار می آید.

شرابخوری کاری شیطانی است که مایه‌ی کینه و دشمنی بین مردم می‌شود و آنان را از رشد معنوی و اخلاقی باز می‌دارد.

شراب بازدارنده از یاد خدای بزرگ است.^۱

هانری نویسنده‌ی فرانسوی می‌نویسد:

سلاح برنده‌ای که شرقیان را بیچاره می‌کند و شمشیر تیزی که مسلمانان را به قتل می‌رساند، شراب است.^۲

هانری درست می‌گوید؛ چرا که پیامبر اسلام شراب را مادر گناهان، زشتی‌ها و پلیدی‌ها و کلید شر و بدی‌ها برشمرده‌اند.^۳

شراب، چراغ عقل را خاموش می‌کند.

۱- سوره‌ی مائده، آیات ۹۰ و ۹۱.

۲- پرسش‌ها و پاسخ‌های روز، صفحه‌ی ۱۶۳.

۳- میزان الحکمه، جلد ۱، صفحه‌ی ۸۱۲، حدیث ۵۱۳۱ تا ۵۱۳۳.



در آستانه‌ی شکوفایی

دوست دارم، به مناطق ناشناخته‌ی دنیا سفر
کنم.

در اعماق جنگل‌های انبوه و ناشناخته گردش
کنم.

کوه‌ها و قله‌های مرموز و صعب العبور را زیر پا
بگذارم.

از رودخانه‌ها و دریا‌های خروشان بگذرم.
غارها و تونل‌های زیرزمینی را کشف کنم.
گنج‌های پنهان را به چنگ آورم
و دوست دارم با کنجکاوی، کاستی‌ها را بفهمم و
آنها را برطرف کنم.

دوست دارم جهان را دگرگون کنم.
من نوجوانم و در آستانه‌ی بلوغ
با انرژیِ انبوه و متراکم
ولی شگفت انگیزتر و پر جاذبه‌تر از همه، خود
«من» هستم.

حضرت علی(ع) می‌فرماید:
«آیا گمان می‌کنی که همین جثه‌ی کوچکی! نه،
تو نمونه‌ای از همه‌ی دنیایی!»

پس چقدر ضرر می‌کنم، اگر «خود»م را نشناسم.
 من از شناخت خود به شناخت خدا پل می‌زنم.
 من نبودم و اکنون هستم.
 پس خودم، خودم را نیافریده‌ام.
 کس دیگر هم مثل من نمی‌تواند مرا آفریده
 باشد.

کسی مرا آفریده که بی نیاز از همه است و هیچ
 کاستی و نقصی ندارد
 و از کودکی تا کنون نعمت‌های فراوانی در اختیار
 من نهاده است

و اکنون نوجوانی شاداب و پر نشاط هستم
 و خداوند بار دیگر به ما لطف می‌کند.
 گویی اندام دوران کودکی ما را می‌گیرد و اندامی
 متناسب با بزرگسالی به ما می‌دهد.
 بلوغ، سرآغاز رشد جسمی ماست.
 نخست پاها بزرگ و دراز می‌شود.
 سپس بخش‌های میانی و عضلات و پس از آن
 سایر اعضا رشد می‌کنند.

رویش مو بر صورت و برخی قسمت‌های دیگر
 بدن، تغییر ناگهانی صدا، جوش‌های صورت و حتی
 بزرگ شدن بینی، همه تغییراتی است که خداوند
 بزرگ و مهربان در ما پدید می‌آورد.
 این‌ها همه نشانه‌ی بلوغ جسمی و جنسی
 ماست.

کم‌کم اندام ما متناسب و موزون خواهد شد و
 جای هیچ نگرانی نیست.
 از نظر اسلام سه نشانه‌ی ویژه وجود دارد که

وقتی یکی از آن‌ها در ما پدیدار شود، انجام تکالیف دینی بر ما واجب می‌شود.

یکی از آن سه نشانه، تمام شدن پانزده سال قمری است.

ما پیش از واجب شدن تکالیف، با عشق و علاقه، چابک و پر نشاط خود را برای انجام آن‌ها آماده می‌کنیم.

ما انجام آن تکالیف را بارها و بارها تمرین می‌کنیم تا هنگام واجب شدن، انجام آن‌ها برایمان آسان و راحت باشد.

وقتی انجام تکالیف الهی بر ما واجب شد، ما آن روز را جشن خواهیم گرفت؛ چرا که دیگر توانایی و شایستگی انجام فرمان‌های الهی را به طور کامل پیدا کرده‌ایم.

پیمان محبت

در دوران بلوغ، شیفته‌ی آن می‌شوم که پوسته‌ی هستی را بشکافم و از دنیای معنویات، از عالم غیب، از جهان آخرت و از ایده‌آل‌های اخلاقی با خبر شوم. بهترین مددکار و یاور من خداوند مهربانی است که از تمام راز و رمزهای جهان هستی با خبر است. از همین روست که با کتاب خدا (قرآن) و پیامبر خدا و جانشینان معصوم او طرح دوستی می‌ریزم و پیمان انس و محبت می‌بندم.

نامه‌ای به تکلیف*

به نام خدا و پس از آن هم می‌خواهم بگویم
سلام، دوستت دارم.

درباره‌ی تو خیلی چیزها شنیده‌ام، می‌دانم خیلی
خوبی، می‌دانم زیبا و پر جاذبه‌ای.

البته این‌ها که می‌گویم، حرف من و نوجوانان
دیگری است که تو را تا اندازه‌ای می‌شناسند، اما
کسانی که هنوز تو را به خوبی نمی‌شناسند، فکر
می‌کنند تو خیلی سخت گیر هستی و به تمایلات
نوجوانی ما توجهی نداری.

وقتی تو می‌آیی، مرا به دنیای احساس مسئولیت
و وظیفه شناسی و.....

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

*- نامه را به دلخواه خود تکمیل کنید.



کامیابی بزرگ

شاد و پر نشاط و لبانش پر از تبسم است.
هر روز بیش از روز پیش، می‌بالد و می‌شکفد.
قلبش پر از جوانه‌های امید و شادابی است.
با این همه گاه آسمان قلبش ابری است؛
ابرهایی تیره و ظلمانی!
گوشه‌ای می‌نشیند و زانوی غم در بغل می‌گیرد
و گاه کم حوصله و عصبانی و جسور است.
سرانجام می‌نشیند و درباره‌ی غم و نگرانی هایش
فکر می‌کند.

«فکر» و «اندیشه» از عبادت‌های بزرگ است.
بیش‌ترین عبادت لقمان حکیم، تفکر بود
و ابوذر، یار صمیمی و انقلابی پیامبر بیش از همه
چیز به تفکر بها می‌داد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:
تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ*
«یک لحظه تفکر، بهتر از یک سال عبادت است.»
از همین روست که مدام با خود می‌اندیشد که

*- میزان الحکمه، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۴۶۵، حدیث ۱۶۲۲۱.

چرا اندوهگین و نگران می‌شود.
ریشه‌ی اندوه و نگرانی در دو چیز است:
چیزهایی داریم و می‌ترسیم آن‌ها را از کف
بدهیم
و چیزهایی را نداریم و می‌ترسیم که آن‌ها را به
چنگ نیاوریم.
برای همین هاست که از بیماری، ناداری،
شکست و مرگ می‌هراسیم.
ولی آیا کسی توانا تر از ما هست که به او پناه
ببریم؟
آیا کسی هست که دار و ندارمان را به او بسپاریم
و از او بخواهیم که به زیباترین شکل ما را پشتیبانی
و نگاهبانی کند؟
ما را از خطرهای و مشکلات برهاند
و با مهربانی، ما را به همه‌ی آرزوهای خوبمان
برساند.
وقتی به نماز می‌ایستیم، با کسی ارتباط برقرار
می‌کنیم که هست. کسی که توانا، دانا، آگاه،
سخاوتمند و بزرگواریست.
کسی که می‌توانیم در فراز و نشیب‌های زندگی به
او تکیه کنیم.
وقتی با نماز پیوند برقرار می‌کنیم آرامش
می‌یابیم، روحیه می‌گیریم و غم‌ها و نگرانی‌هایمان
برطرف می‌شود، چرا که:
أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ *

«هان دل‌ها آرام گیرد به یاد خدا.»
و نماز، بالاترین ذکر و یاد خداست.
حالا دیگر نماز در نگاه من، فقط یک خم و راست
شدن معمولی نیست، بلکه یک کامیابی بزرگ است.
از همین روست که نیرومندترین، نام آورترین و
دلیرترین آدمیان با شور و عشق به نماز می‌ایستادند.
کسی که با نماز سروکار پیدا می‌کند، می‌کوشد
پاک بماند و گناه نکند و اگر لغزید و گناه کرد، فوری
پشیمان می‌شود، توبه می‌کند و برمی‌گردد.
کسی که نماز می‌خواند، از نماز ده‌ها و بلکه صدها
درس نیز خواهد آموخت.

او خواهد آموخت که به غیر خدا همیشه بگوید: نه!
و بیاید ما نیز تمرین کنیم و به غیر خدا بگوییم: نه!
مردان بزرگ، با شهامت و شجاعت فراوان
می‌گفتند: نه!

و یکی از مهم‌ترین رمزهای پیروزی آنان همین بود.
و ما از اذان و اقامه و از سرپای نماز آهنگ این
حقیقت را به خوبی می‌شنویم.
شخصیت والا و ارزشمند ما وقتی شکل می‌گیرد
که ترس و کم‌رویی را کنار بگذاریم و در برابر غیر خدا
بگوییم: نه!

وقتی یک دوست ناباب، سیگار و یا چیز دیگری
روشن می‌کند و به ما تعارف می‌کند، با شهامت
می‌گوییم: نه، نه، نه!

وقتی فرد نادانی ما را به تماشای عکس یا فیلم
زشت و نامناسبی فرا می‌خواند، با سربلندی

می‌گوییم: نه، نه، نه!
و حتی اگر پدر و مادر، ما را به کاری که خدا
خشنود نیست، فرا خواندند، با شجاعت و البته با
احترام می‌گوییم: نه، نه، نه!
در این دوران حسّاس و پرخطر بیایید تا
می‌توانیم تمرین کنیم و بگوییم: نه، نه، نه، نه، نه، نه
«نه»، کلمه‌ای کوتاه، اما بسیار پر بهاست!
نه، کلید بسیاری از کامیابی‌های ماست.
دین، «نه» گفتن به دنیای سیاهی‌ها و پلیدی‌ها و
«آری» گفتن به دنیای پاکی‌ها و روشنی‌هاست.
در شعار بزرگ و اساسی اسلام یعنی در «لا اله الا
الله» این «نه» و «آری» به زیباترین شکل آمده است.

راه و رسم بزرگان

امام به جز در مسائل شرعی، در بقیه‌ی مسائل
زیاد سخت‌گیری نمی‌کردند. ایشان همیشه مقید
بودند که ما دستورهای خدا را انجام دهیم تا بتوانیم
از گناهان دور باشیم.
کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده
وقتی ما رفتار امام را می‌دیدیم، خود به خود به ما
تأثیر می‌گذاشت..... مثلاً به ما می‌گفتند: «باید نماز
بخوانید.» خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو
می‌گرفتند و مشغول نماز خواندن می‌شدند*.

*- نقل از فریده مصطفوی، امام در سنگر نماز، صفحه‌ی ۱۰۲.

شیطان و نماز

با دقت به این دو آیه بنگرید:

□ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵)

(همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد.)

□ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ
بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (نور، ۲۱)

(و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نه‌د

ج‌داند که او را به زشتکاری و ناپسندی و ا می‌دارد.)

با توجه به این دو آیه رابطه‌ی شیطان و نماز را

نتیجه‌گیری کنید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جلوه‌های نماز

نماز، جلوه‌های گوناگونی دارد:

۱. نماز شکر: نماز، نوعی تشکر از خداست؛

فَضْلٌ لِّرَبِّكَ (کوثر، ۲)

۲. نماز رشد: نماز، مایه‌ی رشد و بالندگی ماست؛

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت،

۴۵)

۳. نماز قُرب: نماز، ما را به خدا نزدیک می‌کند؛

وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ* (علق، ۱۹)

۴. نماز اُنس: نماز، اُنس با خداست؛

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه، ۱۴)

*- این آیه یکی از چهار آیه‌ای است که به آیه‌ی سجده معروف هستند. هنگامی که این آیه را می‌خوانیم یا دیگری می‌خواند و ما گوش می‌دهیم، واجب است سجده کنیم.



از خاک تا پاکی

خسته‌ام، بی حالم.
حوصله ندارم، بیمارم.
پای شیر آب شلوغ است.
درآوردن کفش‌ها و جوراب‌هایم وقت گیر است.
دیگران مرا می‌بینند و من خجالت می‌کشم.
گاه با این گونه دلیل‌ها می‌خواهم به جای وضو،
تیمم کنم و نماز بخوانم.
وقتی به احکام مراجعه می‌کنم، به من می‌گویند
این‌ها دلیل نمی‌شود، باید وضو بگیری.
می‌روم و وضو می‌گیرم.
وقتی وضو می‌گیرم، همین وضو با من سخن‌ها
می‌گویند:
عزیزم، تو باید تمرین کنی تا یک نوجوان با
نشاط، پر حوصله و پر همت باشی
و هیچ‌گاه از انجام وظیفه و مسئولیتی که به تو
سپرده‌اند، شانه خالی نکنی.
وقتی چنین باشی، در آینده می‌توانی آدم با
شخصیتی باشی و از جاده‌ی سبز زندگی با شادکامی

عبور کنی.

وضو می‌گیریم، ولی گاهی مواقع عذر ما پذیرفته است و باید تیمم کنیم. مانند این مواقع:

۱. آب در دسترسمان نیست، مثلاً آب، قطع شده و یا در بیابان هستیم.

۲. آب داریم، ولی مال دیگران است و آن‌ها هم راضی نیستند که ما با آن آب، وضو بگیریم.

۳. آب داریم، ولی اگر بخواهیم وضو بگیریم، وقت نماز می‌گذرد و نمازمان قضا می‌شود.

۴. آب داریم، ولی بیمار هستیم و آب برای بدن ما ضرر دارد.

□ □

آماده می‌شویم که تیمم کنیم.

با این‌ها می‌توانیم تیمم کنیم:

خاک پاک، سنگ پاک، ریگ پاک و کلوخ پاک

پیش از تیمم به این نکته توجه می‌کنیم:

کف و پشت دست‌ها، پیشانی، ابروها و بالای

بینی قسمت‌هایی هستند که در تیمم با آن‌ها

سروکار داریم، بنابراین اگر چیزی روی آن‌هاست

(مثل انگشتر، پیشانی بند و....) آن را برمی‌داریم

و اگر چیزی به آن‌ها چسبیده (مثل رنگ، چسب

و....) آن را برطرف می‌کنیم.

اینک تیمم را آغاز می‌کنیم و کارهای زیر را به

ترتیب و بدون فاصله انجام می‌دهیم:

۱. نخست نیت می‌کنیم، یعنی حواسمان را جمع

و جور می‌کنیم، به گونه‌ای که اگر از ما بپرسند چه

می‌کنید، بتوانیم بگوییم به جای وضو، تیمم می‌کنیم. البته باید تیمم را فقط برای خدا انجام دهیم.

۲. پس از نیت، کف دو دست را همزمان بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است می‌زنیم.

۳. کف دو دست را به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا بالای بینی و روی ابروها می‌کشیم.

۴. کف دست چپ را به تمام پشت دست راست از مچ به طرف نوک انگشتان می‌کشیم.

۵. کف دست راست را نیز، به همان ترتیب، به تمام پشت دست چپ از مچ به طرف نوک انگشتان می‌کشیم.

وقتی تیمم می‌کنیم، مثل این است که وضو گرفته‌ایم؛ بنابراین می‌توانیم نماز بخوانیم و یا روی خط‌های قرآن دست بگذاریم و...

اکنون که تیمم کرده‌ایم، یادمان نرود چون عذر داشتیم و نمی‌توانستیم وضو بگیریم، تیمم کرده‌ایم. بنابراین تیمم، جانشین وضوست.

پس هر لحظه که عذر ما برطرف شد، تیمم ما نیز باطل می‌شود، مثلاً اگر صبح، دیر هنگام از خواب بیدار شده و به خاطر تنگی وقت، تیمم کرده‌ایم همین که نماز صبح را به پایان رساندیم، تیمم ما نیز باطل می‌شود و اگر بخواهیم دست روی خط‌های قرآن بگذاریم یا نماز دیگری بخوانیم، باید حتماً وضو بگیریم.

قضاوت کنیم

با چگونگی تیمم سه تن از دوستان نوجوان آشنا می‌شویم:

علی: وقتی تیمم می‌کند، کف دست‌ها را به تمام صورت می‌مالد از بالا به پایین.

حمید: وقتی کف یک دست را بر پشت دست دیگر می‌مالد، هر دو دستش متحرک هستند.

جواد: وقتی عذرش برطرف می‌شود، باز هم با همان تیمم، نماز می‌خواند.

به نظر شما کار کدام یک از دوستان نوجوان صحیح است؟

آهنگ تیمم

برای خشنودی تو دست‌های خاک آلودم را بر بلندترین و عزیزترین نقطه‌ی چهره‌ام می‌کشم و در پیشگاه تو اظهار فروتنی و خاکساری می‌کنم و با این کار تیرگی غرور و خود بزرگ بینی را از چهره می‌زدایم و مطمئن هستم فردا که بیاید، چهره‌ام درخشان است و بر آن هیچ غباری ننشسته و در تاریکی فرو نرفته است.

چهره شناسی

با مراجعه به آیات قرآنی چهره‌ها را می‌شناسم و
چهره‌های دوست داشتنی را علامت می‌زنم و
می‌کوشم چهره‌ام آن گونه شود.

آیات قرآنی	ویژگی چهره	چهره‌ی دوست داشتنی
آل عمران - آیه‌ی ۱۰۶		
آل عمران - آیه‌ی ۱۰۷		
قیامت - آیه‌ی ۲۲		
قیامت - آیه‌ی ۲۴		
عبس - آیه‌ی ۳۸	درخشان، خندان و شاداب	
عبس - آیه‌ی ۴۰		



قدردانی از نشانه‌ها

داخل قایقی نشسته‌ایم.
آب‌ها را می‌شکافیم و پیش می‌رویم.
می‌گوییم و می‌خندیم.
ناگهان موج‌ها چون کوهان شتر به سویمان پیش
می‌آیند.
می‌آیند و می‌آیند و بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند.
قایق در چنگ موج‌ها اسیر است.
به یاد خدا می‌افتیم و با اشک و لابه دعا
می‌کنیم و از او می‌خواهیم، ما را به سلامت به
ساحل برساند.
تنها در این حال نیست که خدا ما را حفظ
می‌کند، بلکه حتی وقتی موجی هم در کار نیست، باز
هم خداوند نگاهبان ماست.
اما ما معمولاً هنگام آمدن موج، به فکر خدا
می‌افتیم و خالصانه او را می‌خوانیم.

□ □

هنگامی که به جهان آفرینش می‌نگریم، متوجه

می‌شویم که نظم دقیق و شگفت‌انگیزی در آن وجود دارد.

حرکت ماه و خورشید و زمین، دقیق و حساب شده است.

کره‌ی زمین با وجود حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، جای آرامی برای زندگی است و حرکت ابرها و وزش نسیم و باد مایه‌ی خوشحالی است.

تمام این نظم‌های حیرت‌انگیز از سوی خداست، ولی ما از دیدن ماه و خورشید و زمین و ابر و باد، کم‌تر به یاد خدا می‌افتیم.

اما گاهی وضعیت عادی این پدیده‌ها به هم می‌خورد.

به هم خوردن آن‌ها براساس قانون و نظم است. این جاست که ما ناگهان به فکر این نعمت‌ها و به فکر آفریننده‌ی آن‌ها می‌افتیم.

وقتی سایه‌ی زمین بر روی ماه می‌افتد و دیگر ماه، روشن نیست،

وقتی سایه‌ی ماه بر زمین می‌افتد و خورشید دیگر، تابان نیست،

هنگامی که آرامش قسمتی از زمین برای لحظه‌ای به هم می‌خورد و آن نقطه تکان می‌خورد، و وقتی باد و رعد و برق شدید، قلب خیلی‌ها را هراسان می‌کند،

در این مواقع است که ما بیش از گذشته به این پدیده‌ها می‌اندیشیم و درمی‌یابیم که این‌ها نشانه‌های علم و قدرت خداوند هستند.

حال که به این حقایق توجه می‌کنیم، خداوند از ما خواسته که به نماز بایستیم و «نماز آیات» بخوانیم. نماز بخوانیم و با خدایی که این نظم عظیم، گسترده و شگفت‌انگیز را آفریده، ارتباط برقرار کنیم. نماز بخوانیم و از او تشکر کنیم.

نماز بخوانیم؛ چرا که اگر همیشه زمین به این شکل بود، هیچ آسایش و آرامشی برای ما وجود نداشت و این خداست که هر لحظه که بخواهد، می‌تواند نظم فعلی این پدیده‌ها را به هم بزند و....

□ □

چنان که دانستیم نماز آیات در مواقع زیر واجب می‌شود:

۱. زلزله

۲. ماه گرفتگی (خسوف)

۳. خورشید گرفتگی (کسوف)

۴. رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و مانند آن، که بیش‌تر مردم بترسند.

نماز آیات، مثل نماز صبح است؛ البته با اندکی تفاوت:

۱. نیت آن فرق می‌کند.

۲. در هر رکعت، پنج رکوع دارد.

برای خواندن نماز آیات، نخست نیت می‌کنیم.
پس از گفتن «تکبیرة الاحرام» و خواندن سوره‌ی
حمد نوبت پنج رکوع فرا می‌رسد. برای انجام این کار
می‌توانیم یک سوره را پنج قسمت کنیم و پس از
خواندن هر قسمت آن به رکوع برویم، مثلاً:
می‌گوییم: ۱- بسم الله الرحمن الرحيم و به رکوع
می‌رویم و ذکر رکوع را می‌گوییم.
۲. قل هو الله احد، و به رکوع می‌رویم و ذکر رکوع
را می‌گوییم.
۳. الله الصمد، به رکوع می‌رویم و ذکر رکوع را
می‌گوییم.
۴. لم يلد و لم يولد، و به رکوع می‌رویم و ذکر
رکوع را می‌گوییم.
۵. و لم يكن له كفواً احد، و به رکوع می‌رویم و
ذکر رکوع را می‌گوییم.
آن گاه می‌ایستیم و به سجده می‌رویم. پس از دو
سجده برمی‌خیزیم و رکعت دوم را هم مانند رکعت
اول می‌خوانیم.
در رکعت دوم اگر بخواهیم، قنوت بخوانیم، باید
بعد از «ولم يكن له كفواً احد»، قنوت بخوانیم و بعد
به رکوع برویم.

تحقیق

۱. آیا در نماز آیات می‌توانیم اذان و اقامه بگوییم؟
۲. آیا نماز آیات را به شکل دیگری هم می‌توان خواند؟
۳. آیا نماز آیات را می‌توانیم به جماعت بخوانیم؟

ثبت خاطره‌ها

آیا تاکنون ماه گرفتگی، خورشید گرفتگی و زلزله را مشاهده کرده‌ای؟
زیباترین خاطره‌ی خود را از آن لحظه‌ها بنویس!

.....

.....

.....

.....

.....

.....



آیین سیر و سفر

همه او را می‌شناسند.
مردی است شیرین و شوخ طبع!
روزی چند تابلو به پسرش می‌دهد و می‌گوید از
آبادی بیرون برو و این تابلوها را دور تا دور آبادی
نصب کن!
آن گاه خود بر بلندترین نقطه‌ی آبادی می‌ایستد
و شروع می‌کند به اذان گفتن.
پسر بیرون می‌رود.
او می‌باید تابلوها را در اولین نقطه‌ای نصب کند
که وقتی می‌ایستد و به سوی آبادی نگاه می‌کند،
دیوارهای آبادی را نبیند و صدای اذان آن جا را نیز
نشنود.
آن مرد هم چنان اذان می‌گوید و پسرش تابلوها
را دور تا دور آبادی نصب می‌کند.
مردم مثل همیشه از کار او سر در نمی‌آورند و
برخی به کار او می‌خندند.
آن مرد شوخ به مردم آبادی خدمت بزرگی
می‌کند.
از این پس هرگاه اهل آبادی به مسافرت می‌روند

و یا از سفر برمی گردند، وقتی به آن تابلوها می رسند، خوشحال می شوند.

روی تابلوها نوشته است: «این جا حدّ ترخّص آبادی است.»

□ □

وقتی می خواهیم از محل زندگی خود حداقل ۲۲/۵ کیلومتر دور شویم و رفت و برگشت ما حداقل ۴۵ کیلومتر باشد، از نظر اسلام، حکم مسافر را داریم.

وقتی مسافر هستیم، از زمانی که به حدّ ترخّص می رسیم تا وقتی که دوباره برمی گردیم و به حدّ ترخّص می رسیم، باید نماز شکسته بخوانیم.

نماز شکسته یعنی نماز کوتاه، یعنی باید نمازهای چهاررکعتی (ظهر، عصر و عشا) را دو رکعتی بخوانیم. وقتی در سفر هستیم و نمازمان شکسته است، حق نداریم روزه بگیریم.

بنابراین اگر ماه مبارک رمضان در سفر هستیم، باید بعد از سفر آن روزه ها را قضا کنیم.

اسلام با مسافرت و گردش نه تنها مخالف نیست که بارها و بارها ما را به انجام آن تشویق و ترغیب کرده است.

ما می توانیم برای بازدید از طبیعت، تحصیل علم و دانش، زیارت، تجارت و مسائل ارزشمند دیگر مسافرت کنیم، ولی باید بدانیم که:

۱. سفر ما برای انجام کار حرام نباشد.

۲. سفر ما با اجازه و رضایت پدر و مادر باشد.

اگر مسافرت کسی به یکی از این دو شکلی که گفته شد، باشد، هم گناهکار است و هم هیچ تخفیفی شامل او نمی‌شود؛ بنابراین باید نمازهایش را کامل بخواند و اگر ماه مبارک رمضان است، باید روزه‌هایش را نیز بگیرد و تا وقتی در سفر است، لحظه به لحظه در نامه‌ی اعمال او گناه نوشته می‌شود. او هر چه زودتر باید از این سفر، برگردد.

تحقیق

کسی که در سفر است، اگر قصد ده روز کند، باید نمازهایش را کامل بخواند و روزه هم می‌تواند بگیرد. «قصد ده روز» به چه معناست؟

ترجمه

حدیث زیر را ترجمه کنید:

قال رسول الله (ص):

سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ جَاهِدُوا تَغْنَمُوا^۱

.....

.....

آداب دینی سفر

۱. به فکر پیدا کردن همسفر و رفیق راه باشیم.
 ۲. زاد و توشه برداریم، حتی آینه و شانه و....
 ۳. هنگام رفتن به سفر، صدقه بدهیم.
 ۴. با همسفران خود خوش اخلاقی کنیم:
- * در کارها با آنان مشورت کنیم.
 - * تا می‌توانیم ساز مخالف نزنیم.
 - * تا می‌توانیم مزاح و شوخی کنیم. (از نوع حلال آن)
 - * خدمت گزار آنان باشیم.
۵. در همه‌ی حالات به یاد خدا باشیم^۱ و نمازهایمان قضا نشود.

آهنگ سفر

اسلام دوست دارد، سیر و سفر و گردش ما
عاقلاً نه و هدفمند باشد.

در قرآن هر کجا ما را تشویق به سیر و سفر کرده
معمولاً پس از آن فرموده، حال بنگرید و نظر بدهید.
با مراجعه به آیات قرآن^{*} می‌توان گفت آهنگ
سفر در قرآن چنین است:

سپروا، سپروا	أَنْظُرُوا كَيْفَ
بگردید و بگردید	بنگرید که چگونه!

۱- میزان الحکمه، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱.

*- سوره‌های آل عمران، ۱۳۷- انعام، ۱۱- نحل، ۳۶- نمل، ۶۹- عنکبوت، ۲۰- روم، ۴۲.



میعادگاه عاشقان

نسیم ملایمی گونه هایمان را می نوازد و ما را
غرق نشاط و شادمانی می کند.

احساس سبکی و بی وزنی می کنیم.
به خانه ها نگاه می کنیم که چقدر کوچک شده اند.
به پایین کوه می نگریم ؛ خیلی بالا آمده ایم.
قرآن بارها ما را به بالا آمدن فرا خوانده است.
آهنگ دلپذیر «تَعَالَوْا»، «تَعَالَوْا»* که از قرآن به
گوش می آید، به ما می گوید:

- بالا بیایید، رشد کنید، صعود کنید!
خدا، خود، «مُتَعَالٍ»** و بلند مرتبه است، شما
هم به سوی بلند مرتبه شدن گام بردارید!
آرام آرام از کوه پایین می آییم.
مسعود می گوید: «امروز روز جمعه است، چه
زیباست که همه با هم به نماز جمعه برویم!
همگی پیشنهاد او را می پذیریم.

*- سوره ی مائده، آیه ی ۱۰۴ - سوره ی انعام، آیه ی ۱۵۱ - سوره ی
منافقون، آیه ی ۵. **- سوره ی رعد، آیه ی ۹.

نماز جمعه یکی از برنامه‌های باشکوه اسلام است
که ما را با خود بالا می‌برد.

می‌رویم و می‌رویم تا به میعادگاهی می‌رسیم که
همه هفته چشم به راه ماست.

جمعیت را می‌شکافیم و به پیش می‌رویم،
و سرانجام در جمع عاشقانی قرار می‌گیریم که در
میعادگاه گرد آمده‌اند.

همه ساکت و آرام می‌نشینیم و به سخنان مردی
گوش می‌دهیم که پیشاپیش جمعیت ایستاده است.
یک دستش را به اسلحه گرفته و سرگرم سخن
گفتن با ماست.

او «امام جمعه» است و مشغول خواندن
خطبه‌های نماز جمعه است.

امام جمعه دو خطبه می‌خواند:

معمولاً در خطبه‌ی اول درباره‌ی مسائل اعتقادی
و اخلاقی صحبت می‌کند
و در خطبه‌ی دوم از مسائل اجتماعی و سیاسی
سخن می‌گوید.

در آغاز هر خطبه بر چهارده معصوم پاک، سلام و
صلوات می‌فرستد و در پایان هر خطبه، یک سوره
کوچک از قرآن می‌خواند.

وقتی که او خطبه‌ی اول را به پایان رساند، کمی
می‌نشیند و برای خواندن خطبه‌ی دوم از جا
برمی‌خیزد.

امام جمعه در هر دو خطبه مردم را به تقوا و پرهیزگاری فرا می خواند.

□ □

نماز جمعه، نمازی است که هر هفته در روز جمعه برگزار می شود.

نماز جمعه به شکل جماعت خوانده می شود و نمایش شکوه و عظمت اسلام و مسلمانان است. در نماز جمعه به دشمنان اسلام نشان می دهیم که ما همه با هم مهربان و صمیمی هستیم و در برابر شما متحد و یکپارچه چون سدی پولادین ایستاده ایم!

در نماز جمعه از اوضاع و احوال سایر مسلمانان هم چنین از توطئه های دشمنان با خبر می شویم. وقتی امام جمعه دو خطبه را به پایان رساند، در جلو جمعیت رو به قبله می ایستد و نماز جمعه را برگزار می کند.

□ □

نماز جمعه دو رکعت است:

اذان و اقامه را نمی گوئیم. همراه امام جمعه «نیت» می کنیم و سپس «تکبیرة الاحرام» می گوئیم. آن گاه ساکت می مانیم؛ چون خواندن حمد و سوره به عهده امام جمعه است. و سپس بقیه ی نماز را آهسته همراه امام جمعه می خوانیم.

نماز جمعه، مانند نماز صبح است؛ با این تفاوت که دو قنوت دارد؛ یکی در رکعت اول، پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع. نماز جمعه به جای نماز ظهر خوانده می‌شود؛ بنابراین بعد از نماز جمعه، نماز عصر می‌خوانیم.

□ □

پیش از این که به نماز جمعه بیاییم، مستحب است غسل کنیم؛ غسل جمعه. وقتی می‌خواهیم غسل کنیم، اگر چیزی روی پوست بدنمان هست و نمی‌گذارد آب به پوست برسد، آن را برطرف می‌کنیم و سپس غسل می‌کنیم. نخست «نیت» می‌کنیم و پس از آن سرگردن را می‌شوئیم؛ آن گاه نیمه‌ی راست بدن و پس از آن نیمه‌ی چپ بدن را می‌شوئیم. وقتی بدن را می‌شوئیم، مواظب هستیم که لای انگشتان دست و پا و نیز کف پا را هم بشوئیم. غسل جمعه، ثواب و پاداش فراوانی دارد و آن قدر مهم است که پیامبر (ص) می‌فرمایند: «هیچ گاه غسل جمعه را ترک نکن؛ هرچند ناچار باشی از پول غذا و خوراک خود صرفه‌جویی کنی و برای غسل، خرج کنی؛ چرا که غسل جمعه از بزرگ‌ترین و برترین کارهای مستحب است.*» مستحب است هنگام غسل کردن دعا بخوانیم،

*- برگرفته از مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۰۲ و ۵۰۳، حدیث ۹.

مانند این دعا:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَاجْعَلْنِيْ مِنَ
الْمُتَطَهِّرِيْنَ*

«بار خدایا، مرا از توبه کنندگان و پاکان قرار بده!»

تحقیق

- آیا در غسل باید بدن خود را از بالا به پایین بشویم؟
- آیا در غسل، دست کشیدن بر بدن لازم است یا همان رساندن آب به همه‌ی بدن کافی است؟

شکوه نماز جمعه

آیا تاکنون به نماز جمعه رفته‌اید؟
برای هر چه با شکوه‌تر برگزار شدن نماز جمعه
چه پیشنهادی دارید؟

.....

.....

.....

.....



از خود تا جامعه

در باغچه‌ی خانه‌مان گل کاشته‌ایم.
خانه‌مان را منظم و مرتب کرده‌ایم.
جلو در خانه را آب و جارو زده‌ایم.
می‌خواهیم سالم، تندرست، شاد و با نشاط
باشیم.

برای رسیدن به این هدف مقدّس، انجام این
کارها لازم است، ولی کافی نیست.
چرا که اگر دیگران هم مانند ما این کارها را انجام
ندهند و نامنظم، به هم ریخته، کثیف و بدبو باشند
و در خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها زباله و میکروب
لانه کرده باشد همه‌ی زحمتهای ما به هدر خواهد
رفت.

پس باید به دیگران نیز کمک کنیم تا آنها هم به
نظم و نظافت اهمیت بدهند.
وقتی همه با هم این کارها را انجام می‌دهیم،
شهر و روستای سالمی داریم و همه تندرست، شاد و
با نشاط هستیم.

در همه‌ی مسائل دینی باید هم خودمان خوب

باشیم و هم به دیگران کمک کنیم تا خوب باشند.
اگر ما آدم‌های پاک و با ایمانی باشیم، ولی
دیگران آدم‌هایی ناپاک، دزد و ستمکار باشند
آسایش و امنیت ما را نیز به هم خواهند زد.
اگر هوای جامعه‌ی ما به میکروبی آلوده شد، دیر
یا زود به ما هم سرایت خواهد کرد.
به همین دلیل، اسلام از ما خواسته که یار و
نگهبان همدیگر باشیم.
دیگران را امر به معروف کنیم ؛ معروف یعنی
کارهای خوب و شایسته.
و آنان را نهی از منکر کنیم ؛ منکر یعنی کارهای
زشت و ناپسند.
بنابراین وقتی کسی کار واجب و شایسته‌ای را
انجام نمی‌دهد، ما وظیفه داریم، از او بخواهیم آن
کار را انجام بدهد. ما با این کار، «امر به معروف»
می‌کنیم
و وقتی کسی کار حرام و زشتی را انجام می‌دهد،
وظیفه داریم، او را از انجام آن کار بازداریم. ما با این
کار «نهی از منکر» می‌کنیم.
این نشانه‌ی دوستی به مردم است.
این نشانه‌ی دوستی ما به مکتب است.
البته باید بدانیم که دعوت دیگران به خوبی‌ها و
جلوگیری آنان از بدی‌ها راه و روش خاصی دارد.
ابتدا باید با تغییر رفتار و سپس با گفتار نرم و

ملایم این وظیفه‌ی بزرگ را به انجام برسانیم.
قصد ما خوشبختی دیگران است، نه رنجاندن
آنها، پس باید از راهی وارد شویم، که کار ما اثر
مثبت داشته باشد.

آدم‌ها با هم فرق دارند، پس بکوشیم روحیات
آنها را در نظر داشته باشیم.

شرایط و فضایی که می‌خواهیم در آن امر به
معروف و نهی از منکر کنیم، با هم یکسان نیست.
اگر مقداری گچ بر لباس کسی نشسته باشد،
می‌توانیم به او کمک کنیم و با چند بار دست زدن و
تکاندن، لباسش را تمیز کنیم، ولی اگر مقداری دوده
به لباس سفید او نشسته باشد، اگر بخواهیم با دست
زدن و تکاندن، لباس او را تمیز کنیم، ممکن است
هم دست خودمان سیاه شود و هم لباس او را
خراب‌تر کنیم

و به خاطر این موضوع از ما دلگیر و آزرده خاطر
شود.

بنابراین، گاهی لازم است برای امر به معروف و
نهی از منکر، ساعت‌ها فکر کنیم و یا با دیگران
مشورت کنیم تا بهترین راه را کشف کنیم.

فراموش نکنیم که ما خوبی دیگران را
می‌خواهیم، پس باید بدانیم از چه راهی می‌خواهیم
آنان را به خوبی فرا بخوانیم و از بدی‌ها و زشتی‌ها
باز داریم.

مراقب منطقه‌های «ورود ممنوع» زندگی دیگران نیز باشیم.

ما حق نداریم، با تجسس و کنجکاوی از کارهای پنهانی و اسرار دیگران باخبر شویم.

امر به معروف و نهی از منکر تنها در مورد کارهایی انجام شود که دیگران به شکل علنی انجام می‌دهند و یا ما ناخودآگاه از آن‌ها باخبر می‌شویم. البته اگر متوجه شویم که گروه یا افرادی به شکل پنهانی و زیرزمینی مشغول پی‌ریزی توطئه علیه اسلام و نظام اسلامی هستند، باید به مأموران دولتی، مانند مأموران انتظامی یا اطلاعات گزارش بدهیم و در صورت نیاز و فراهم بودن شرایط برای کشف فعالیت‌های آن‌ها با مأموران همکاری کنیم.

معروف و منکرشناسی

برای امر به معروف و نهی از منکر باید با معروف‌ها و منکرها آشنا باشیم. در جدول زیر چند «معروف» و «منکر» را بیان کنید.

معروف‌ها	منکرها

شناسایی موفق‌ها

با اعضای خانواده و دوستان خود گفتگو کنید و مواردی را که در امر به معروف و نهی از منکر موفق بوده‌اند، گردآوری کنید.

می‌توانید نتیجه‌ی تحقیق خود را برای ما بفرستید تا از مطالب زیبای شما بهره ببریم.



زندگی پر نشاط

عرق از سر و روی پاکش می‌بارید.
بیل در دست گرفته بود و در مزرعه‌ی خود کار
می‌کرد.

جلو رفتم و با سلام و ادب گفتم: «فدایت شوم!
کارگران کجا رفته‌اند که شما این قدر خود را به رنج و
زحمت انداخته‌اید؟»

فرمود: «کسانی که از من و از پدر من هم بالاتر
بودند، بیل به دست می‌گرفتند و کار و کشاورزی
می‌کردند.»

او پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) را می‌گفت که
کار بدنی جزو عادت‌ها و برنامه‌های روزانه‌ی آنان
بود.

با خود گفتم، امام کاظم(ع) کار و تلاش را مایه‌ی
سربلندی می‌داند نه مایه‌ی ننگ و سرافکندگی*!

□ □

تمام پیامبران و امامان معصوم(ع)، به تلاش و
کوشش اهمیت زیادی می‌دادند و کار را نشانه‌ی
شرف انسانی می‌دانستند.

*- برگرفته از فروع کافی، جلد ۵، صفحه‌ی ۷۸، حدیث ۱۰.

بالاترین ورزش برای آنان، همین کار و فعالیت بود، ولی با این همه به برخی از ورزش‌ها نیز علاقه‌مند بودند.

آنان ورزش‌هایی را دوست داشتند که هم باعث نشاط و تندرستی باشد و هم در مسیر زندگی و بندگی و دفاع از مظلومان و میهن اسلامی به کار آید. از همین رو به ورزش «تیراندازی»، «اسب دوانی» و «شنا» فراوان سفارش می‌کردند.

پیامبر عزیز اسلام به ورزش دو و کوهپیمایی بسیار علاقه‌مند بودند.

فرمولی که می‌توان از اسلام برای زندگی پرنشاط به دست آورد این است:

علم و دانش و تکنیک و فن آوری

+

کار و فعالیت بدنی

+

ورزش‌های سالم و مفید

=

زندگی پرنشاط

□ □

اسلام به ما اجازه داده است که برای تفریح و رفع کسالت و خستگی از انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها نیز بهره ببریم، ولی باز هم بکوشیم آن فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایی را انتخاب کنیم که به نوعی باعث پرورش جسم یا پرورش قدرت تخیل یا پرورش قدرت تفکر ما شوند

و در همه‌ی بازی‌ها و سرگرمی‌ها به دو نکته‌ی بسیار مهم توجه کنیم:

۱. در بازی‌ها و سرگرمی‌ها از ابزار قمار استفاده نکنیم.

۲. در بازی‌ها و سرگرمی‌های ما شرط بندی در کار نباشد، یعنی نباید شرط کنیم که گروه بازنده چیزی به گروه برنده بدهد، ولی اگر فرد دیگری یا مؤسسه یا باشگاهی به برندگان جایزه‌ای بدهد، اشکالی ندارد.

○ بنابراین اگر در بازی و سرگرمی از ابزار قمار استفاده شود، این کار، حرام است؛ دیگر فرقی نمی‌کند شرط بندی و برد و باختی در کار باشد یا نباشد.

○ همچنین اگر در بازی و سرگرمی، شرط بندی و برد و باخت - به همان شکلی که گفتیم - وجود داشته باشد، این کار، حرام است و دیگر فرقی نمی‌کند که ابزار قمار هم در کار باشد یا نباشد.

البته در تیراندازی و اسب دوانی، شرط بندی اشکالی ندارد.

حال که بازی ما حلال و سودمند است، هنگام سرگرمی و شور و شادمانی از سایر وظایف خود غافل نمائیم. بنابراین بکوشیم:

۱. وقت بازی را به گونه‌ای تنظیم کنیم که به وقت نماز و راز و نیاز با خدا برخورد نکنند.

۲. هنگام بازی به مال و جان و آسایش دیگران آسیبی نرسانیم.

اندیشه و تحقیق

□ آیا تاکنون ندانسته در بازی‌ها و سرگرمی‌ها

شرط‌بندی کرده‌اید؟.....

□ آیا ابزار قمار را می‌شناسید؟ چند تا را نام ببرید.

.....

.....

□ بازی شطرنج با مراعات چه شرایطی حلال است؟

.....

.....

ورزش از نگاه امام خمینی

ورزشکارها همیشه این طور بودند که یک روح سالمی داشتند. از باب این که توجه به شهوات نداشتند، توجه به لذات نداشتند، توجه به یک فعالیت جسمی داشتند که عقل سالم در بدن سالم است.....

آن‌هایی که اهل خدا هستند، توجه به خدا دارند، ورزش جسمی می‌کنند و ورزش روحی، آن‌ها در تمام مدت، اشخاصی هستند که پژمردگی در آن‌ها نیست، افسردگی در آن‌ها نیست و این یک نعمتی است، از خدای تبارک و تعالی که خداوند نصیب همه بکند، ان شاء الله*

*- به نقل از جوانان از دیدگاه امام خمینی، صفحه‌ی ۳۴۷.



انرژی صعود

درختان، میوه‌های خود را روی دست گرفته‌اند.
پرندگان بال در بال هم‌گرد شما پر می‌زنند.
حیوانات دور و بر شما جست و خیز می‌کنند.
چشمه‌ها و آبشارها در گوش شما نجوا می‌کنند
و همه شما را به سوی خود دعوت می‌کنند.
بفرمایید، میل کنید، بنوشید و خوش و خرم
باشید!

و تو فقط برای خوردن و آشامیدن به این جا
نیامده‌ای،

خوردن و آشامیدن برای تو هدف نیست،
خوردن و آشامیدن برای زنده ماندن و آن گاه
انجام اعمال شایسته و در نتیجه نزدیک شدن به
خداست.

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا*
«ای پیامبران، از چیزهای پاکیزه بخورید و کار

*- سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۵۱.

شایسته کنید!»

حال که خوردن و آشامیدن هدف نیست، پس من نمی‌توانم به دلخواه خود از نعمت‌های الهی بهره بگیرم.

باید ببینم، آفریننده‌ی این نعمت‌ها می‌گوید که از کدام بخور و از کدام بنوش.

او از من خواسته، درباره‌ی مصرف خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، نکته‌های زیر را مراعات کنم:

۱. آن چیز، مال دیگران نباشد و اگر مال آن‌هاست، حتماً با اجازه و رضایت آن‌ها از آن استفاده کنم.

۲. آن چیز، پاک باشد؛ بنابراین اگر نجس است، باید آن را بشویم تا پاک شود و اگر قابل تطهیر نیست، حق ندارم از آن استفاده کنم.

۳. آن چیز، حلال باشد، ولی اگر مثل شراب و آبیجو و بعضی گوشت‌ها حرام باشد، من حق استفاده از آن را ندارم.

۴. آن چیز برای ما ضرر نداشته باشد.
با رعایت این چهار ملاک، استفاده از تمام میوه‌ها، سبزی‌ها، نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها جایز است.

□ □

بعضی از حیوانات و پرندگان، حرام گوشت هستند، یعنی خوردن گوشت آن‌ها حرام است.

حلال گوشت، مانند: گوسفند، گاو، شتر، آهو، ماهی‌های فُلَس دار، مرغ و خروس.
حرام گوشت‌ها، مانند: گربه، سگ، حیوانات درنده، عقاب، کلاغ، روباه و ماهی‌های بدون فُلَس.

□ □

از حیوانات و پرندگانِ حلال گوشت از راه‌های زیر می‌توان استفاده کرد:

۱. سر بریدن: این مورد برای همه‌ی حلال گوشت‌هاست، به جز شتر و ماهی.
۲. نَخر شتر: برای این کار باید کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده است، در گودی بین گردن و سینه‌ی شتر فرو کنند.
۳. شکار با اسلحه یا سگ شکاری؛ (این مورد درباره‌ی حلال گوشت‌های وحشی است، نه اهلی)
۴. صید ماهی؛ یعنی اگر ماهی زنده از آب گرفته شود و در بیرون آب، جان دهد خوردن آن حلال است.

توجه: * سر بریدن و نَخر، شرایطی دارد، از جمله این که آن شخص، مسلمان باشد و به نیت همان کار، نام خدا را بر زبان بیاورد و حتماً از کارد آهنی یا چیزهای آهنی دیگر استفاده کند.

* شکار نیز شرایطی دارد که می‌توان به رساله مراجعه کرد.

فراموش نکنیم اگر حیوانات و پرندگان حلال

گوشت به غیر از چهار شیوه‌ای که گفته شد، به شکل دیگری کشته شوند و یا خودشان بمیرند، استفاده از گوشت آن‌ها جایز نیست.

تحقیق

کدام یک، کارشان صحیح است:

- سر گنجشک را با دست جدا می‌کند و از گوشت آن استفاده می‌کند.
- ماهی مرده‌ای را از استخر آب بیرون می‌کشد و از گوشت آن استفاده می‌کند.
- ماهی‌های ریز کوچک را از درون آب می‌گیرد و زنده زنده می‌خورد.
- بزغاله‌ای را با اسلحه شکار می‌کند. وقتی به بزغاله می‌رسد، بزغاله جان داده است، آن را برمی‌دارد و از گوشت آن استفاده می‌کند.
- گوسفندی را سر می‌برد، ولی گوسفند پس از کشته شدن هیچ حرکت نمی‌کند.

آداب خوردن غذا

مستحب است این گونه باشیم:

۱. دست‌ها را پیش از غذا و پس از آن بشوییم.
۲. ابتدا «بسم الله» و در پایان «الحمد لله» بگوییم.
۳. با دست راست غذا بخوریم.
۴. لقمه‌ها را کوچک برداریم.
۵. غذا را خوب بجویم.
۶. هر کس از غذای جلو خودش بخورد.
۷. میزبان پیش از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.

آداب نوشیدن آب

این کارها مستحب است:

۱. در روز، ایستاده آب بنوشیم.
۲. پیش از آشامیدن «بسم الله» و پس از آن «الحمد لله» بگوییم.
۳. به سه نفس آب بیاشامیم.
۴. پس از آشامیدن، حضرت امام حسین(ع) و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان آنان را لعن کنیم.

تحقیق

می‌دانیم اسراف و زیاده روی در همه چیز از جمله در خوردن و آشامیدن ناروا و حرام است، آیا می‌توانی از زیان‌های اسراف چیزی بنویسی!

۱.

۲.

۳.

۴.



چشم انداز فردا

خندان و سرشار از شادابی و نشاط هستی.
چشم اندازی زیبا و دلنشین پیش رو داری.
روحي حساس داری و بسیار مسئول هستی.
می خواهی گل باشی و همه جا گل بکاری.
می خواهی همه ی زندگی ات را براساس دین بنا
کنی.

تصمیم بسیار عالی و زیبایی گرفته ای.
بر تو بشارت باد که پیروز و سربلند خواهی شد؛
به شرط آن که در این راه کوشا و پایدار باشی.
و همتی بلند و عالی داشته باشی.
خداوند همت های عالی و بلند را دوست دارد
پس:

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند، به جایی رسیده اند
و باز هم بلند همت باش که شخصیت تو بالا
خواهد رفت

همت بلند دار که نزد خدا و خلق
باشد به قَدَرِ همت تو، اعتبار تو
حال که همت بلندی داری و می‌خواهی به
درجات والای انسانی برسی، مراقب باش تا کم
همتان تو را از پیمودن این راه مقدّس باز ندارند.
در این راه، گام بردار و گام بردار!
و بکوش و بکوش!
و پایدار باش!
و همواره نگاهت به اُسوه‌ها و الگوهای الهی باشد.
این نگاه به تو انرژی، امید، حرارت، شتاب و
جهت می‌دهد.
پس خود را فقط با آن‌ها مقایسه و سنجش کن
و در پرتو این سنجش، نقطه‌های قوّت خود را
شناسایی کن
سپس بر آن‌ها پا بفشار و خدا را نیز سپاسگزار
باش!
و نقطه‌های ضعف و کاستی خود را نیز بیاب و در
رفع آن‌ها بکوش!
خداوند در قرآن وعده داده که بلند همتان را
یاری کند و به درجات عالی برساند*.
مطمئن باش، خداوند به وعده‌ی خود وفا خواهد
کرد، به شرط آن که ما نیز به آهنگ صعودی که از
قرآن به گوشمان می‌آید، دل بسپاریم:

*- مراجعه کنید به آیاتی مثل آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی عنکبوت.

آهنگ خوش «جاهِدوا» و «جاهِدوا»؛ کوشش،
کوشش!

«اضْبِرُوا» و «ضابِرُوا»؛ شکیبایی، شکیبایی!
فرشتگان در این مسیر مقدس یار و یاور ما
خواهند بود.

پس عزیزم، خوشحال و خندان باش
و بدان که پیامبران، امامان، شایستگان، و
شهیدان نیز همراه و یاور تو هستند*.
وَه چه شورانگیز است!
پس ای شاخ شمشاد!
خیالت آسوده باد که در این مسیر مقدس چیزی
کم نداری

و دین، چراغ پرفروغ راهت خواهد بود.
شادمانه از جا برخیز!
و در این مسیر گام بردار؛
گام‌هایی بلند و استوار
و مطمئن باش به یاری خدا تا اوج اوج بالا
خواهی رفت!

همیشه شاد باشی و پر نشاط!

*- اشاره به آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی نساء.

افق‌های روشن

فرداهایم، چشم به راه امروز من نشسته‌اند و
همت و تلاش و پشتکار مرا خواهند و من برای
روشنایی آن روزها تصمیم‌های بزرگی گرفته‌ام.
تصمیم‌های من:

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.